

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

راینر روپ
برگردان: مجله هفته
۰۳ سپتمبر ۲۰۲۲

گوربچف یک احمق مفید برای غرب.



www.globallookpress.com

جاسوس سابق جمهوری دموکراتیک المان در ناتو: گوربچف «خیانت کرد و ما را به المان فروخت».

راینر روپ، جاسوس برجسته و مشهور سابق جمهوری دموکراتیک المان، دیدگاه نسبتاً انتقادی در مورد کارنامه آخرین رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی، میخائیل گوربچف دارد. روپ اقدامات سیاسی او را بیشتر «ساده لوحانه و ناشی از ناشی‌گری» می‌داند. در ضمن او یادآور می‌شود که اولین تماس بین ایالات متحده آمریکا و سیاستمداران اوکراینی که با آنها همساز بودند، پیش از پایان اتحاد جماهیر شوروی انجام شده بود.

راینر روپ یکی از موفق‌ترین جاسوسان در جمهوری دموکراتیک المان بود و با نام مستعار توپاز از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۹ با در مقر ناتو در بروکسل به رفقای خود در دفتر مرکزی شناسایی (hva) وزارت امنیت دولتی جمهوری دموکراتیک المان (GDR) خدمات رسانی می‌کرد. این دیگر واقعیتی ثابت شده است که او در سال ۱۹۸۴ بر اساس فعالیت‌ها و اطلاعاتی که به سازمان امنیت جمهوری دموکراتیک المان ارسال کرد توانست از یک رویارویی نظامی بسیار پرتنش در حین مانورهای ناتو 83 Able Archer، در واقع از از یک جنگ هسته‌ئی قریب الوقوع جلوگیری کند.

روپ در یک مصاحبه اختصاصی به سؤالات روسیه امروز در مورد مرگ دبیر کل سابق حزب کمونیست اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و همان زمان آخرین رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی، میخائیل گوربچف، پاسخ می‌دهد.

روپ تصور نمی کند که میخائیل گوربچف در زمانی که فعال بود، علی رغم مذاکرات متقابل، هم بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی و هم با المان فدرال و المان دموکراتیک، آگاهانه به دنبال «الغای بلوک شرق» بود. اما در نگاهی به گذشته، رئیس جمهور وقت اتحاد جماهیر شوروی را متهم می کند که «ساده لوحانه و ناشی‌گرانه» عمل کرده است.

گوربچف «بدون این که چیزی در دست داشته باشد، به وعده های طرف مقابل ایمان آورده بود». روپ معتقد نیست که از آغاز تحولات در آغاز سال ۱۹۸۹/۱۹۹۰ عمداً برنامه ریزی در مورد فروختن «جمهوری دموکراتیک المان» به غرب در شوروی وجود داشته. صدراعظم المان غربی در آن زمان، هلموت کهل، در ابتداء به پیشنهادات گوربچف واکنش بسیار انتقادی نشان داد، سایر شرکای غربی حتی به صراحت نسبت به سیاست جدید پرسترویکا در اتحاد جماهیر شوروی در زمان گوربچف هشدار دادند.

سپس روپ با جزئیات بیشتری موضوع مورد بحث را اینگونه جمع بندی کرد که رویدادهای بعدی و جابه جایی غیر منتظره قدرت در آن زمان صرفاً ناشی از «ناشی گری احمقانه» و اقدامات ساده لوحانه گوربچف بود. به گفته روپ، در نهایت، به جمهوری دموکراتیک المان خیانت شد و آن را به المان غربی و ناتو فروختند. وقتی از روپ خواسته شد که در یک جمله درگذشت گوربچف را فرموله کند، به طور دیپلماتیک گفت: «de mortuis nihil nisi bene» و به معنای واقعی کلمه «پشت سر مردگان حرف بدی نباید زد». به بیان مستقیم تر: گوربچف تلاش کرد، اما نتوانست [مسئولیت بزرگ را بر عهده بگیرد].»



راینر روپ

مدت ها پس از پایان جمهوری المان، در ۳۰ جولای ۱۹۹۳ راینر روپ و همسرش - بر اساس یافته های به اصطلاح پرونده های روزن هولتس - توسط مأموران المان فدرال دستگیر شدند و در نهایت در سال ۱۹۹۴ توسط دادگاه عالی منطقه ئی دوسلدورف «به دلیل خیانت که در صورت جنگ می توانست «ویرانگر و تعیین کننده برای « باشد.»، به ۱۲ سال زندان محکوم شدند.

تجربه شخصی او از آن زمان این است که طرف شوروی باید مراقب می بود که به «جمهوری دموکراتیک المان و رفقای وفادار به سوسیالیسم» چنین خیانتی صورت نگیرد.

با این حال به دلیل بی‌توجهی سیاسی سرانجام رفقای وفادار به جمهوری دموکراتیک المان قربانی این سیاست شدند. در این جریان، زندگی ها و موجودیت مادی و اجتماعی بسیار زیادی از انسانهای صادق قربانی شد.

رویدادهای رسانه‌ی و سیاسی و محکومیت‌ها منجر به تعداد ناشناخته بسیار بالایی از خودکشی شده است. راینر روپ متقاعد شده است که اگر گوربچف با آینده‌نگری عمل می‌کرد، می‌توانست از یک «کارزار انتقام جویانه علیه عوامل جمهوری دموکراتیک المان» جلوگیری کرد.

شعار او در زندگی به عنوان یک مارکسیست معتقد، حتی در دوران زندان، همیشه این بود: «ما در یک نبرد

شکست خوردیم، اما بی‌شک جنگ برای یک جامعه عادلانه ادامه خواهد داشت»

همه رویدادهایی که پس از «پایان سوسیالیسم» اتفاق افتاده و طبق پیشگویی‌های امریکا و ناتو مبنی بر «پایان تاریخ» و همچنین رویدادهای جاری در اوکراین به طور قاطع ثابت می‌کند که «این تحول (پایان اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیستی - مترجم) ما را در چه وضعیت بدی قرار داده است»

وقتی از روپ پرسیده شد که حال و هوای پنتاگون و مقر ناتو در زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی چگونه بود، روپ این فضا را به با «حال و هوای جویندگان طلا» مقایسه می‌کند.

«شرق، بلوک شرق و همچنین اتحاد جماهیر شوروی» در آن زمان منحل شدند. تصادفی نبود که اولین بازدیدکننده از ناتو در اواخر دهه ۱۹۸۰ معاون وزیر بازرگانی ایالات متحده بود.

او سپس از آنجا مستقیماً به کمیسیون اتحادیه اروپا در بروکسل رفت.

این سفر به خاطر تقسیم بهترین «تکه‌های» کشورهای اروپای شرقی صورت گرفت، که مشخصاً از قبل می‌خواستند بین یک دیگر تقسیم کنند. در همان زمان، ایالات متحده به صراحت اعلام کرد که می‌خواهد در تقسیم بندی «حیات خلوت شرق اروپا» همه‌کاره باشد.

به عنوان بخشی از برنامه‌ها و رویدادهای مربوط به انحلال اتحاد جماهیر شوروی (اتحادیه جمهوری‌های سوسیالیستی شوروی)، «اولین سیاستمداران اوکراینی» به ناتو در بروکسل وارد شدند.

بدین ترتیب از آنها در اماکن ویژه ایالات متحده پذیرائی شد و تحت «مراقبت» قرار گرفتند یعنی به آنها به طور ویژه رسیدگی شد. این اتاق‌ها در منطقه مقر ناتو قرار داشتند. روپ از تجربه مستقیم خودش صحبت می‌کند، زیرا او می‌توانست در این مکالمات به عنوان بخشی از فعالیت‌های جاسوسی اش که هنوز ناشناخته مانده بود مستقیماً حضور داشته باشد.

حتی در آن زمان، دستور یک «معاون سفیر» وجود داشت که می‌گفت باید از «بازگشت اوکراین به روسیه» جلوگیری کرد.

برای متوقف کردن چنین پیشرفتی به هر قیمتی باید «میخ‌ها را با چکش کوبید».

در مقابل، یک هیأت بلاروسی پس از مذاکره با امریکائی‌ها، به صراحت از روپ پرسید: «ما اصلاً اینجا چه کنیم؟ ما نمی‌خواهیم به غرب بپیونددیم»

راینر روپ در پایان مصاحبه جمع بندی می‌کند که این دیدگاه‌های متفاوت در داخل اتحاد جماهیر شوروی در آن زمان به وضوح قابل تشخیص بود و تا به امروز هم ادامه دارد.